

سنخ‌شناسی خرده فرهنگ‌های دینی جوانان شهر مشهد

محمد رضا برات نژاد^۱

آرش قهرمان^۲

چکیده:

طرح پژوهشی سنخ‌شناسی خرده فرهنگ‌های دینی جوانان مشهد با هدف شناسایی و توصیف انواع خرده فرهنگ‌های دینی جوانان مشهد صورت گرفت. سؤال اصلی تحقیق این بود که جوانان از آن حیث که دین دارند در چه دسته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرند و وقتی از موضع فرهنگ و خرده فرهنگ به آنها بنگریم دارای چه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی هستند. جامعه آماری تمامی جوانان مشهد یعنی افراد واقع در دامنه سنی ۱۵-۲۹ سال بود و ۶۰۰ نفر در مجموع به عنوان نمونه برگزیده شد. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. نتیجه حاصله گویای آن است که جوانان را می‌توان در پنج خرده فرهنگ ایدئولوژیک، سنتی، ولایتی، سکولار و شخصی یا خانوادگی دسته‌بندی کرد. سه سنخ اول با وجود تمایزاتی که دارند به یکدیگر نزدیکند و دو سنخ بعدی نیز به یکدیگر نزدیک می‌شوند. میزان تعلق خاطر جوانان به این سنخ‌ها هم به ترتیبی است که بیان شدند یعنی بیشترین علاقه و وابستگی به خرده فرهنگ‌های ایدئولوژیک و سنتی و کمترین آن به خرده فرهنگ سکولار و شخصی خانوادگی است.

کلید واژه: سنخ‌شناسی، جوانان، دین، خرده فرهنگ

۱. پژوهشگر گروه علوم اجتماعی، جهاد دانشگاهی مشهد

Reza.baratnejad@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، پژوهشگر گروه علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد

۱- مقدمه :

جوانی جمعیت و داشتن قشر عظیمی از جوانان در یک جامعه اگرچه ممکن است از نگاه برخی، نوعی مشکل به نظر آید لکن نمی‌توان جمعیت جوان را همیشه و الزاماً امری منفی و آسیبی محسوب داشت. جوان و جوانی از حیث ویژگی‌های روانشناختی حاوی اوصافی مثبت و منفی است و این اوصاف جلوه‌های اجتماعی مهمی را در پی دارد و بنابراین فرصت‌ها و تهدیدهایی همزمان پدید می‌آورد. اوصافی همچون نشاط، انرژی، انگیزه قوی، امید، آرمان‌طلبی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی و... را می‌توان اوصافی از جوانی دانست که جامعه را مستعد فرصت‌های گرانبهایی می‌کنند و از دیگر سو اوصافی چون غلبه احساسات، تغییرپذیری و نوحواهی و... اوصافی‌اند که می‌تواند زمینه تهدید برای جامعه جوان فراهم کند. به هر حال شناخت این پدیده و درک مقتضیات خاص آن است که می‌تواند از فرصت‌ها استفاده مطلوب کرده و تهدیدها را از بین برده یا آن را به حداقل ممکن کاهش دهد. شناخت خرده فرهنگ یا خرده فرهنگ‌های جوانان در جامعه‌ای چون جامعه ما از نگاه‌های مختلفی می‌تواند مطرح شود. در این پژوهش به دنبال شناسایی و توصیف خرده فرهنگ‌های دینی جوانان بوده‌ایم تا شاید متولیان امور جوانان را برای برنامه‌ریزی مفید افتد.

۲- بیان مسأله:

از آنجا که جوانان بیش از سایر اقشار جامعه در معرض این پدیده بوده و بیش از دیگران از آن تأثیرپذیرند و با عنایت به اهمیت نسل جوان برای هر جامعه‌ای می‌توان گفت در حال حاضر جامعه ما با چنین مشکلی مواجه است و یکی از بایسته‌های پژوهش، جوانان و مسایل مربوط به آنهاست. اگر بپذیریم که جوانان قشر متمایزی در جامعه هستند می‌توان پذیرفت که دارای خرده فرهنگ یا خرده فرهنگ‌های ویژه‌ای نیز هستند که باید مورد توجه و شناسایی قرار گیرند.

در این پژوهش، جوانان را گروهی از افراد جامعه می‌دانیم که بدلیل زندگی در دامنه سنی خاص از فرهنگ ویژه‌ای برخوردارند که در عین داشتن نقاط مشترک دارای تمایزاتی هم هست و به همین دلیل سخن از سنخ‌های خرده فرهنگ است. در این تحقیق بیشتر تأکید ما بر

ارزش‌های دینی و مذهبی است. سنخ‌شناسی خرده فرهنگ جوانان را می‌توان از زوایای مختلف دید به باور برخی از صاحب‌نظران فرهنگ ایرانی ترکیبی از سه فرهنگ اسلامی، ایرانی و غربی است و به تبع آن خرده فرهنگ‌ها هم از این سه فرهنگ تأثیر پذیرفته‌اند. لکن در این پژوهش ما با تکیه و تأکید بر فرهنگ اسلامی بر شناسایی و سنخ‌شناسی خرده فرهنگ‌های جوانان پرداخته‌ایم. به عبارت دیگر مسأله و مشکل ما این بوده است که بدانیم جوانان از آن حیث که دیندار و مسلمانند در چند گروه و دسته جای می‌گیرند و این گروه‌ها از چه ویژگی‌ها و عناصری برخوردارند.

۳- اهداف تحقیق :

در این تحقیق با مفروض گرفتن این فرض که جوانان درحوزه دینی دارای خرده فرهنگ‌های ویژه‌ای می‌باشند با استمداد از مباحث تئوریک مربوط به فرهنگ و دین و آزمون تجربی آنها در میان جوانان مشهد به شناسایی این خرده فرهنگ‌ها و دسته‌بندی یا سنخ‌شناسی آنها پرداخته‌ایم.

۴- سؤالات تحقیق:

سؤال اصلی این پژوهش عبارت از این است که چه سنخ‌هایی از خرده فرهنگ دینی و اسلامی در میان جوانان وجود دارد؟ لکن این سؤال اصلی را می‌توان به‌انواع خاص‌تری تجزیه کرد:
باورها و عقاید دینی جوانان در چه سنخ‌هایی جای می‌گیرند؟
رفتارها و هنجارهای دینی جوانان در چه سنخ‌هایی جای می‌گیرند؟
ارزش‌های دینی جوانان چه دسته‌بندی‌هایی را بر می‌دارند؟
علاوه بر اینها می‌توان از منظرهای دیگر همچون دینداری عرفانی، مناسکی و... به مطالعه و سنخ‌شناسی خرده فرهنگ‌های دینی جوانان اقدام کرد.

۵- چارچوب نظری:

۵-۱- درباره فرهنگ

اگرچه مفاهیم حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی عموماً با عدم توافق بر سر تعریف

مواجهند اما مفهوم فرهنگ در این میان از بیشترین میزان اختلاف و عدم توافق برخوردار است و هر یک از صاحب‌نظران و از جمله مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان آن را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. اختلاف بر سر تعریف یک مفهوم یا واقعیتی که آن مفهوم مبین آن است یا از نظرگاه صاحب‌نظران برمی‌خیزد و یا از پیچیدگی موضوع و یا هر دو. به نظر می‌رسد فرهنگ از هر دو نظر مستعد عدم توافق است. ما با اشاره‌ای گذرا به برخی از این تعاریف در نهایت تعریفی را که ما را در این پژوهش یاری کند بر خواهیم گزید. در برخی از تعاریف، فرهنگ به عنوان روش متفاوت زندگی یا طرح زندگی گروهی از مردم دانسته شده و تأکید شده است که فرهنگ نظامی است که در طول تاریخ به وجود آمده و شامل طرح‌های آشکار و نهان برای زندگی است و بین همه افراد جامعه یا اعضای گروهی معین در زمانی مشخص مشترک است (آبرکرامبی، ۱۳۷۶، ۶۵) جوئل شارون فرهنگ را مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، ارزش‌ها و هنجارها - شیوه‌های کار، آداب و رسوم، قوانین و اخلاق - می‌داند که مردم به عنوان راهنمایی برای درک و تسلط بر خود به کار می‌گیرند. از یک طرف فرهنگ به این معناست که ما جهان را بر طبق زندگی اجتماعی خود می‌بینیم از طرف دیگر به این معناست که ما به جهان خود معنا می‌بخشیم. همچنان‌که فرهنگ ما تغییر می‌کند. درک ما از جهان و کنش ما در آن نیز دگرگون می‌شود. حتی جهان درونی ما فرهنگی است نه صرفاً فیزیکی. ما همچنین به‌طور فرهنگی دیگران را طبقه‌بندی کرده و نسبت به آنها رفتار می‌کنیم. نه به‌طور طبیعی. (جوئل شارون، ۱۳۷۹، ۶۶) به نظر بارنز فرهنگ مجموعه‌ای از اعتقادات و باورهاست که با تلاش‌های یک گروه معین در فایق شدن بر مشکلات تطابق بیرونی و یگانش (انسجام) درونی توسعه می‌یابد. فرهنگی که توانسته باشد به قدر کافی از پس مشکلات بر آید با ارزش پنداشته شده به اعضای جدید گروه یاد داده می‌شود. (همان) رفیع‌پور در معنایی وسیع‌تر بر این باور است که فرهنگ کلیه اشکال زندگی یک قوم، از جمله پایه‌های تفکری آن را تشکیل می‌دهد و این همچنین شامل تمام زمینه‌های فنی موجودیت آن قوم (از جمله نوع‌السه، ساختمان، ابزار و...) نیز می‌گردد. بنابراین فرهنگ در واقع همه چیز و همه بخش‌های زندگی که توسط انسان‌ها بوجود آمده است را در بر می‌گیرد و لذا موضوع مورد بررسی نه فقط یک رشته خاص، بلکه همه علوم تفکری و انسانی است. (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ۲۹۷) با دقت نظر در این تعاریف می‌توان دریافت که فرهنگ مجموعه‌ای از

عناصری است که آن را می‌سازند و از آنجا که این عناصر برای مطالعه جامعه مهم به نظر می‌رسند می‌توان با جمع‌بندی این تعاریف، فرهنگ را مجموعه‌ای از چهار عنصر مهم باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها دانست. اگرچه در برخی از دسته‌بندی‌ها به عناصر دیگری هم اشاره می‌شود لکن می‌توان این عناصر را عناصر مهم و کلیدی فرهنگ دانست که دیگر عناصر را هم در بر می‌گیرد. از آنجا که موضوع این پژوهش «خرده فرهنگ» است، اگر در یک تعریف ابتدایی خرده فرهنگ را فرهنگ گروه‌های خاص از جمله جوانان بدانیم، می‌توان گفت یک خرده فرهنگ هم عناصر اصلی فرهنگ یعنی باور، ارزش، هنجار و نماد را شامل است لکن در مقیاس محدودتر.

۲-۵- عناصر اصلی فرهنگ

۱-۲-۵- باورها

باورها اموری هستند درباره آنچه وجود دارد و هست. به بیان وسیع‌تر می‌توان باورها را معادل جهان بینی دانست که سنخ فکر و ذهن است و می‌تواند تمامی عقاید، بینش‌ها اسطوره‌ها، عقاید قالبی و حتی خرافات را شامل شود.

۲-۲-۵- ارزش‌ها

اگر باورها را دایر مدار هست‌ها بدانیم، ارزش‌ها دایر مدار باید‌ها می‌باشند. به بیانی ارزش‌ها به معنای ارزیابی مطلوبیت یا شایستگی و درست بودن نسبی موضوعات، ایده‌ها، اعمال، احساسات یا حوادث مختلف‌اند. به عبارت دیگر ارزش‌ها از نوع داوری هستند و جهت تمایل ما را بیان می‌کنند. (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۹) اولسون ارزش‌ها را مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی نسبت به آنچه پسندیده است می‌داند که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به [امور] جهان‌ها در جامعه هستند. (همان) به باور وی باورها به سؤال چیست و ارزش‌ها به سؤال چه باید باشد پاسخ می‌دهند.

۳-۲-۵- هنجارها

هنجار سومین عنصر از عناصر اصلی فرهنگ است که به تعبیر اولسون به سؤال چه باید

انجام شود پاسخ می‌دهند. به بیانی دیگر می‌توان هنجار را قواعد حاکم بر رفتارها دانست که در هر جامعه خاص وجود دارد. گی روشه بر همین اساس معتقد است که رفتار ما بی‌آنکه به‌طور مداوم از آن آگاه باشیم، در هر لحظه تحت تأثیر هنجارهایی است که برای ما راهنما یا مدل هستند. بنابراین حالات عمل، تفکر و احساس فشار خود را اعمال می‌نمایند زیرا برای ما به شکل قواعد، هنجارها و مدل‌ها عرضه می‌شوند که می‌بایستی از آنها برای هدایت و جهت دادن به کنش خود الهام بگیریم، اگر بخواهیم که کنش ما در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم قابل قبول باشد. وی در ادامه تأکید می‌کند که کنش انسانی حتی شخصی‌ترین و خصوصی‌ترین آن تا تفکرات و احساسات بسیار مخفی آن از قواعد بیرونی مشترک و جمعی متابعت می‌نماید. به هنگام تفکر، زبان و مفاهیم و افکاری را بکار می‌بریم که جامعه و گروه‌هایی که در آنها بزرگ شده‌ایم و در آنها به حیات خود ادامه می‌دهیم برایمان فراهم کرده‌اند. به نظر وی، کنش انسانی اجتماعی است چون از ساخت کنشی ریشه می‌گیرد که بوسیله هنجارها یا قواعد جمعی یا مشترکی که می‌بایست از آنها تأثیرپذیرد فراهم می‌گردد. (گی روشه، ۱۳۷۰، ۴۲)

۴-۲-۵- نمادها

چهارمین عنصر اساسی فرهنگ نماد (Symbole) است. ساده‌ترین تعریفی که می‌توان از نماد کرد این است که نماد یعنی جایگزین شدن چیزی به جای چیز دیگر و یا به عبارت دیگر چیزی که جای چیز دیگری را می‌گیرد و بر آن دلالت می‌کند. یک مجسمه به‌طور نمادی یادآور یک شخصی، یک حادثه یا یک فکر است و بدین‌سان برای آنان حضور و کنش مداومی را تضمین می‌کند. یک کلمه بطور نمادی جایگزین چیزی می‌شود و همان آثار را داراست بی‌آنکه حضور جسمی آن چیز لازم باشد.

۶- خرده فرهنگ (Subculture)

خرده فرهنگ که می‌توان در یک تعریف ابتدایی آن را به‌عنوان فرهنگ گروه‌های خاص تعریف کرد از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. گاهی خرده فرهنگ در مقابل فرهنگ عمومی قرار گرفته و بر این اساس به عنوان فرهنگ گروه‌ها در نظر گرفته می‌شود. در

واقع یک جامعه پیچیده را باید به عنوان مجموعه‌ای از گروه‌های پیوسته جابجا شونده در نظر گرفت که با نظامی از مبادلات اقتصادی و مدیریت سیاسی وحدت می‌پذیرند. هر یک از این گروه‌ها یک رشته رفتارهای اجتماعاً مقبولی برای خود دارند که تا اندازه‌ای آنها را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد. در واقع هر یک از گروه‌های متمایز جامعه یک خرده فرهنگ را تشکیل می‌دهند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۲، ۵۱)

در برخی تعاریف دیگر علاوه بر گروه، مشاغل، طبقات و گرایش‌های فکری مبنای تعریف خرده فرهنگ واقع شده است. بسیاری از مشاغل بوجود آورنده فرهنگ‌های خاص هستند. هر پاره فرهنگ دارای واژه‌هایی خصوصی است که نقش آن تحکیم دنیای خصوصی آنان در مقابل بیگانگان است. (همان) افراد جامعه بر حسب اینکه متعلق به کدام گروه اجتماعی و شغلی هستند و به چه طبقه‌ای بستگی دارند و خود را از چه طایفه‌ای می‌دانند و به کدام گرایش عقیدتی و فکری منسوبند و بالاخره بر حسب این‌که از نظر جنسی و سنی در چه رده‌ای قرار دارند دارای نمود و ظهور و مختصات فرهنگی متفاوتند و به‌آسانی می‌توان آنها را به اعتبار گفتار و رفتار و لباس و... از یکدیگر متمایز ساخت. این تفاوت‌ها و ویژگی‌های داخلی هر فرهنگ را خرده فرهنگ یا جوانه‌ها و شاخ و برگ‌های تنه اصلی فرهنگ جامعه می‌نامند. (دانیل بتیس، ۱۳۷۵، ۲۳)

۷- سنخ‌شناسی (Typology) چیست؟

نظر به این‌که در این پژوهش به دنبال سنخ‌شناسی خرده فرهنگ جوانان هستیم تعریف این مفهوم بایسته است. ساروخانی در کتاب دایره المعارف علوم اجتماعی این واژه را چنین تعریف کرده است: گونه‌شناسی تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌هاست با توجه به مشخصات آنان و بر پایه معیار یا معیارهایی خاص. این معیارها می‌توانند عینی، ساده و غیرمتعدد باشند. (نظیر سن، جنس، نژاد) یا ذهنی (نظیر ایدئولوژی، عقیده‌ای خاص و...) در همه علوم مخصوصاً علوم انسانی گونه‌شناسی اهمیت بسیار دارد. فلاسفه تاریخ جوامع را به انواعی چند تقسیم می‌کردند. روانشناسان انسان‌ها را به انواعی چند تقسیم می‌نمایند. برخی دیگر، گونه‌های موضوعی ارائه نمودند (نظیر دورکیم که هنگام بحث از خودکشی آن را به نوع خودکشی ناشی

از بی‌هنجاری، خودکشی ناشی از دیگرخواهی، خودکشی خودخواهانه تقسیم نمود) در هر گونه‌شناسی اصول زیر باید مراعات گردد: نخست جامعیت (Exhaustiveness) هرگونه باید به‌طور مصرح تعریف شده و دارای همه ابعاد لازم جهت دربرگیری همه عناصر مربوط به خود باشد. دوم مانعیت متقابل (Mutual exclusiveness): هر نوع باید تعدادی خاص از عناصر مورد نظر را دربرگیرد و داده‌های مربوط به آن در هیچ رده دیگر جای نگیرند. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۸۲۶) نویسنده دیگری تیپ یا سنخ را چنین تعریف می‌کند: یک تیپ عبارت است از یک نمونه یا الگو به نحوی مشخص که مبین شخصیت یا خصوصیات یک نوع یا طبقه است. به عبارت دیگر یک تیپ نمونه‌ای از حالتی کلی است که در بسیاری از افراد یک طبقه وجود دارد. از تعداد بیشماری حالات ممکن و یا موجود در یک طبقه می‌توان حالات معینی را برگزید. که قابلیت آن را داشته باشد که به بسیاری از افراد یک نوع یا طبقه تعمیم داده شود. بدین ترتیب می‌توان افراد یک طبقه را خارج از کلیت طبقاتی یا نوعی آنها با خصوصیات این تیپ‌های معین مورد مطالعه قرار داد. (حمید حمید، بی‌تا، ۵۴)

۸- چارچوب مفهومی تحقیق:

۸-۱- دین و ابعاد آن :

هر دینی از ابعاد و زوایای مختلفی تشکیل شده است و معمولاً میزان اهمیت این ابعاد هم به یک اندازه نیست. چنان‌که می‌دانیم و معمول است برای دین اسلام سه بعد اساسی و مهم می‌توان در نظر آورد: عقاید یا باورها، اخلاقیات و احکام، در بیان اهمیت هر یک از این ابعاد علمای دین به این مثال متوسل می‌شوند که اگر دین را همچون درختی بنگریم اصول عقاید همچون ریشه‌های درخت، احکام به مثابه شاخ و برگ درخت و اخلاقیات به منزله میوه درخت تلقی می‌شوند. پیداست که در این معنا عقاید و اخلاق اهمیت بیشتری نسبت به احکام پیدا می‌کنند. عقاید در اسلام خود به‌سه یا پنج رکن مهم تقسیم می‌شوند و احکام نیز در دسته‌های پنج‌گانه حلال، حرام، مباح، مکروه و مستحب جای می‌گیرند. اخلاقیات نیز تقسیماتی بر می‌دارند که در کتب اخلاقی به آن پرداخته می‌شود. آنچه در اینجا قابل ذکر است این است که دینداری مردم نیز در نسبت با این دسته‌بندی‌های معین می‌شود و فی‌المثل توده

مردم دین را بیشتر در چهره احکام و مناسک دینی می‌بینند که علم فقه متکفل بیان آن است و نزد برخی دیگر از مردم بعد اخلاقیات دین اهمیت بیشتری می‌یابند. برای آن‌که بتوان به موضوع سنخ‌شناسی خرده فرهنگ جوانان با تأکید بر ارزش‌های دینی و یا به عبارت دیگر خرده فرهنگ دینی جوانان نزدیک شد برخی از سنخ‌شناسی‌های دین را که توسط صاحب‌نظران مختلف مطرح شده مورد توجه قرار می‌دهیم:

۱-۱-۸- نظر لئوبا روانشناس:

روانشناس دین لئوبا در پنجاه سال پیش چهل و هشت تعریف از دین را جمع‌آوری کرده است که از جمع‌بندی آنها محورهای زیر قابل استخراج است.

۲-۱-۸- عنصر فکری: دین در اعتقاد بشر به وجود قدرت یا قدرت‌های متعالی که بر مقدرات او کنترل دارند دیده می‌شود.

۳-۱-۸- عنصر عاطفی: دین در احساس وابستگی فرد به قدرت یا قدرت‌های مافوق و تجربه ارتباط معنوی با آنها معنی می‌شود.

۴-۱-۸- عنصر رفتاری: دین در اعمال مناسکی چون نمازگذاشتن، قربانی کردن و... و رفتار اخلاقی تجلی می‌یابد.

۵-۱-۸- عنصر اجتماعی: دین بر حسب ظهور اجتماعی آن و ایجاد نهادهای جمعی که بشر را در تحقق ارزش‌های تعریف شده دین یاری می‌رساند، تعریف می‌شود. (عظیمی هاشمی، طرح نگارش جوانان، ۳۴ به نقل از شجاعی زند)

۲-۸- نظر احمد نراقی

احمد نراقی در کتاب «رساله دین شناخت» به منظور تحلیل ایمان ابراهیمی با این نگاه که ایمان مهمترین وجه دین‌داری است سه تلقی از ایمان را از یکدیگر تفکیک می‌کند.

۱-۲-۸- تلقی فیلسوفانه از ایمان

مطابق این تلقی گوهر ایمان از جنس معرفت است به بیان دقیق‌تر، ایمان نوعی اعتقاد ناظر به گزاره‌ها است یعنی اولاً نوعی اعتقاد است و ثانیاً متعلق آن گزاره‌ها هستند. بنابراین می‌توان

تلقی فیلسوفانه از ایمان را رویکرد گزاره‌ای به ایمان نیز نامید.

۲-۲-۸- تلقی عارفانه از ایمان :

مطابق این تلقی، گوهر ایمان ورای عقل و معرفت است. به بیان دقیق‌تر، ایمان نوعی اعتماد ناظر به شخص است. یعنی اولاً نوعی اعتماد است و بنابراین در ساحت اراده تحقق می‌پذیرد نه در ساحت معرفت و ثانیاً متعلق آن یک شخص است نه یک گزاره.

۳-۲-۸- تلقی جامع یا فلسفی - عرفانی از ایمان :

مطابق این تلقی، ایمان وضعیت وجودی پیچیده و ذو ابعادی است و نمی‌توان ابعاد گوناگون آن را به یک بعد خاص فرو کاست. البته چه بسا در این وضعیت وجودی، پاره‌ای ابعاد نقش محوری داشته باشند و پاره‌ای ابعاد نقش حاشیه‌ای، اما حتی در این حالت نیز ابعاد محوری و حاشیه‌ای لازم و ملزوم و انفکاک ناپذیرند. مطابق این تلقی، ایمان دست کم سه بعد اساسی دارد:

بعد اول، عقلی یا معرفتی است. حتی اگر گوهر ایمان را مطابق تلقی عارفانه، نوعی اعتماد و عشق بدانیم، این اعتماد نمی‌تواند مستقل از اعتقاد باشد...
بعد دوم ارادی است. ایمان صرفاً اعتقاد به پاره‌ای گزاره‌ها نیست. ایمان به شخص مؤمن شخصیت تازه‌ای می‌بخشد و این شخصیت‌نوین نحوه زندگی خاصی را به وی الزام می‌کند. تعهد مؤمن به خداوند در اطاعت وی از فرامین الهی جلوه‌گر می‌شود و وی را بالطبع به انجام اعمال دینی خاصی بر می‌انگیزد.

بعد سوم عاطفی است. ایمان هرچه باشد با شور عاطفی عظیمی همراه است.
مؤمن نسبت به خداوند شوری عظیم می‌ورزد و مواجهه وی با خداوند توأم با عشق و هیبت است. (نراقی، ۱۳۷۸، ۳۹-۳۱)

۳-۸- ابعاد پنج‌گانه دین از نظر گلاک و استارک

۱-۳-۸- بعد اعتقادی یا باورهای دینی (beliefs) :

نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقانیت اصول دینی ارائه می‌دهد. در واقع بعد اعتقادی عبارتست از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدانها اعتقاد داشته باشند.

۲-۳-۸- اعمال دینی (Practice) : که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند :

الف- شعائر یا مناسک (Rituals) :

آداب و رسومی که فرموله شده و در میان معتقدان به دین رفتارهای نمونه‌ای به حساب می‌آیند. مناسک به‌طور کلی مراسمی است که هر دین از پیروان خود انتظار دارد آنها را به جا آورد.

ب- پرستش و دعا (Devotion) :

اعمالی فردی و خصوصی که فرد آنها را تنها با رضایت خاطر خود بدون اجبار انجام می‌دهد زیرا اینها اعمالی غیر رسمی هستند.

۳-۳-۸- بعد تجربی دین (Experience)

موقعیت‌های برتر ایجاد شده‌ای که فرد در آنها خود را رویاروی و مواجهه با یک شعور برتر احساس می‌کند.

۴-۳-۸- دانش دینی (Religious Knowledge) :

شامل حداقلی از آگاهی فرد مؤمن از دین مورد قبول خود است. زیرا شناخت از اصول و فروع دین و سنت‌ها، تاریخ و سایر امور دینی در حداقلی از سطح ممکن لازم است تا فرد را به عمل دینی بکشاند.

۵-۳-۸- پیامدها (Consequences) :

این بعد بر رفتار روزمره و غیردینی افراد ناظر است. حضور و وجود اندیشه و حس خداگرایانه در متن زندگی که در رفتار غیردینی فرد ساحتحاکم می‌یابد و به‌زندگی او رنگ و بوی دینی می‌دهد. (میرچا الیاده، ۱۳۷۴، ۶۲)

۴-۸- نظر عبدالکریم سروش :

۱-۴-۸- دین اقلی و اکثری :

عبدالکریم سروش از معاریف روشنفکری دینی ایران یکی از تقسیمات دین را دین اقلی و اکثری می‌داند: من این بینش را که معتقد است تمام تدبیرات و اطلاعات و قواعد لازم و کافی برای اقتصاد، حکومت، تجارت، قانون، اخلاق و خداشناسی و غیره برای هر نوع ذهن و زندگی

اعم از ساده و پیچیده در شرع وارد شده است و لذا مؤمنان به هیچ منبع دیگری برای سعادت دنیا و آخرت غیر از دین نیاز ندارند، بینش اکثری یا انتظار اکثری می‌نامم. در مقابل این بینش، بینش اقلی یا انتظار اقلی قرار می‌گیرند که معتقد است شرع در این موارد (یعنی مواردی که داخل در دایره رسالت شرع است) حداقل لازم رابه مأموخته است نه بیش آن را. در همینجا بیفزایم که در این تعریف هرچه از حداقلی فراتر رود اکثری است. (سروش، ۱۳۷۸، ۸۴)

۲-۴-۸- دین دنیوی و اخروی

دین دنیوی (معاشی) احکام فقهی و اخلاقی را لازم و کافی برای اداره جامعه و حل مشکلات اجتماعی می‌داند و حسن معاد را تابع حسن معاش و در طول آن می‌داند. (همان نحوه تفکر پروتستانی در مسیحیت) و در مقابل دین اخروی (معادی)، آنها را تکالیفی می‌بیند که مقصود اصلی از آنها تأمین سعادت اخروی است و دنیا را فقط به آن منظور و به منزله مقدمه‌ای برای آن و به قدر حاجات سامان می‌دهد و بس. (همان، ۸۹)

۳-۴-۸- اسلام حقیقت و اسلام هویت :

سروش در یک تقسیم‌بندی دیگر اسلام را به دو گونه حقیقت و هویت تقسیم کرده و در توضیح آن می‌گوید: اسلام هویت اسلامی است که بیشتر برای کسب هویت مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد و در مقابل فرهنگ‌ها و هویت‌های دیگر می‌ایستد و به گذشته تمدنی تفاخر و تکیه می‌کند و بیشتر اسلام سیاستمداران است تا دینداران و به بزرگ کردن و خودآرایی در چشم دیگران اهمیت بسیاری می‌دهد و به همین سبب خوراک تعصب و نزاع و تظاهر می‌شود و رفته رفته به جهت تکیه بسیار بر ظاهر از باطن تهی می‌شود. در مقابل آن اسلام حقیقت، اسلامی است که فقط تابع و کاشف حقیقت است و اگر هویتی پدید آید دنبال آن است نه مقدم بر آن. این اسلام با همه حق‌ها خویشاوند است و ظاهر طلب و ظاهر پسند و اهل بزرگ کردن نیست و خرج منافع قوم و صنف و فرهنگ خاصی نمی‌شود و اهل دیالوگ است و آنها که آن را می‌خواهند برای حق بودنش می‌خواهند و نه برای هویت‌زا بودنش... (همان، ۳۲۶)

۵-۸- جمع‌بندی گونه‌های خرده فرهنگ دینی :

باتوجه به مباحث نظری و یافته‌های مصاحبه‌های اکتشافی با تعدادی از جوانان می‌توان ۵

گونه زیر را با شاخص‌هایی معرفی کرد:

الف - گونه سنتی

یک فرد مسلمان باید ظاهرش هم دینی باشد. اسلام واقعی همان است که در رساله‌های عملیه فقها وجود دارد. چادر بهترین نوع پوشش و حجاب برای بانوان است. نمی‌توان شیعه بود و درعین حال هرگز در مراسم عزاداری امام حسین(ع) شرکت نکرد. بهترین الگوی دینداری روحانیون هستند. بدون تقلید از مراجع دینی نمی‌توان دیندار بود. اطاعت از فتوای مرجع تقلید در همه امور واجب است. اعمال و باورهای دینی باید کاملاً شکل سنتی خود را حفظ کنند.

ب - گونه ولایتی

عقیده به ولایت فقیه بر هر مسلمان شیعه واجب است. برای دفاع از ولایت می‌توان برخی از قوانین موجود را نادیده گرفت. شرکت در انتخابات برای اطاعت از دستور رهبری واجب است و نتیجه آن مهم نیست. ترک نماز جمعه بدون داشتن عذر شرعی گناه است. ولی فقیه(رهبر)، جانشین امام زمان(ع) است. نظری مقام رهبری بر نظر تمامی مراجع تقلید ترجیح دارد.

ج - گونه سکولار :

اساساً دین یک باور و ایمان فردی است و ربطی به زندگی سیاسی و اجتماعی ندارد. دین امری مقدس است و دخالت دین در سیاست باعث از بین رفتن تقدس دین می‌شود. دین نمی‌تواند برای اقتصاد و معیشت مردم دستورات صادر کند. دین مانع پیشرفت علم و بنابراین مانع پیشرفت جامعه می‌شود. روشنفکران دینی الگوهای مناسبتری برای دینداری هستند.

د - گونه ایدئولوژیک

اگر در اداره جامعه به دستورات دینی عمل شود بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

حکومت موفق و کارآمد حکومتی است که بر مبنای دین اداره شود.
دین می‌تواند همه نیازهای همه انسان‌ها را در هر زمان و مکانی رفع کند.
حکومت اسلامی بهترین نوع حکومت است.
دین و سیاست قابل تفکیک از یکدیگر نیستند.
دین باید در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و... حضور داشته باشد.
ه. گونه شخصی و خانوادگی:

هر کس در امور دینی می‌تواند به تشخیص خودش عمل کند.
هر کس خودش می‌تواند روحانی خودش باشد و نیازی به روحانیون نیست.
تنها آنچه والدین در امور دینی به ما یاد می‌دهند برای ما کفایت می‌کند.
برای بانوان مهم رعایت حجاب است، نوع آن فرقی نمی‌کند.

۹- روش تحقیق:

تحقیق از نوع اکتشافی است، این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است. همچنین تحقیق از نوع مقطعی است یعنی نتایج حاصل شده می‌تواند با گذشت زمان تغییر کند. با توجه به این‌که این پژوهش درصدد بررسی و شناسایی خرده فرهنگ جوانان است، واحد مورد پژوهش فرد است، اگرچه با مشاهده فراوانی‌های خاص می‌توان افراد را در گروه‌هایی یا خرده فرهنگ‌هایی جای داد.

۹-۱- جامعه آماری :

جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه دختران و پسران جوان ساکن در شهر مشهد بوده که در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال قرار دارند.

۹-۲- شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه :

برای انتخاب اعضای نمونه شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای را در پیش گرفته‌ایم. نمونه‌گیری خوشه‌ای زمانی به کار می‌رود که متغیر اصلی مورد بررسی دارای توزیعی نسبتاً همگن در جامعه مورد بررسی باشد به عبارت دیگر نتوان جامعه مورد نظر را براساس دسته‌هایی که دارای

تفاوت‌های برونی بایکدیگر هستند؛ طبقه‌بندی نمود یا انتخاب خوشه‌ای از افراد آسان‌تر از انتخاب افراد براساس روش‌های دیگر باشد. (این موقعیت زمانی فرا می‌رسد که نتوانیم فهرست یا اعضای جامعه را تهیه و تدوین کنیم). نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در نظر گرفته می‌شود. تعداد نمونه معتبر در خصوص جامعه آماری براساس فرمول و مشخصات ذیل برآورد گردید.

$$n = \frac{NZ^2 p.q}{Nd^2 + Z^2 p.q}$$

ضریب اطمینان معادل ۹۵ درصد فرض شده که در نتیجه Z برابر ۱/۹۶ می‌گردد.

واریانس صفت مشاهده شده در نمونه آماری حداکثر فرض می‌شود در نتیجه $p = ۰/۵$

و q است.

فاصله اطمینان تعمیم نتایج به جامعه آماری ۸٪ در نظر گرفته شده که در نتیجه $d = ۰/۴$ می‌شود.

$$n = \frac{623299(1/96)^2(0/5)(0/5)}{623299(0/4)^2 + (1/96)^2(0/5)(0/5)} = \frac{598616 / 3596}{998 / 3388} = 599$$

بدین سان حجم کل نمونه لازم برای تعمیم به جامعه آماری با احتمال ۹۵٪ اطمینان تعداد

۶۰۰ جوان است.

۱۰- یافته‌های پژوهش:

۱۰-۱- توصیف خرده فرهنگ‌های دینی جوانان

۱۰-۱-۱- خرده فرهنگ سکولار

ردیف	گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق
۱	اساساً دین یک باور و ایمان فردی است و ربطی به زندگی اجتماعی و سیاسی ندارد	۶/۴	۴۱/۲	۱۲/۴	۳۲/۷	۷/۴
۲	دین امر مقدس است و دخالت دین در سیاست باعث از بین رفتن تقدس دین می‌شود	۶/۶	۳۴/۷	۱۷/۹	۳۳/۱	۷/۸
۳	دین نمی‌تواند برای اقتصاد و معیشت مردم دستورات روشن داشته باشد	۷/۶	۵۵/۲	۱۳/۸	۲۰/۶	۲/۹
۴	دین مانع پیشرفت علم و بنابراین مانع پیشرفت جامعه می‌شود	۲۴/۱	۶۱/۱	۲/۸	۱۰	۲
۵	روشنفکران دینی الگوهای مناسب تری برای دینداری هستند	۰/۸	۹/۹	۱۷/۶	۵۶	۱۵/۶
۶	حجاب و پوشش یک امر شخصی است و ربطی به دین ندارد	۶/۱	۵۱/۳	۱۲/۳	۲۷/۴	۲/۸
۷	انحراف مردم از مسیر دین توسط روحانیت	۵/۷	۴۸/۸	۱۷	۲۴	۴/۴
۸	خلاصه نشدن همه امور زندگی در دین و دینداری	۱/۵	۱۹/۵	۱۲/۸	۵۶/۴	۹/۹
۹	دینداری در ایران، عربستان و آمریکا فرق ندارد	۷/۶	۴۶/۲	۶/۱	۳۲	۸/۱

جدول فوق میزان موافقت یا مخالفت پاسخگویان به گویه‌های مربوط به خرده فرهنگ دینی سکولار را نشان می‌دهد. براین اساس می‌توان گفت بیشترین میزان موافقت پاسخگویان به گویه پنجم اختصاص یافته و حدود ۷۱ درصد پاسخگویان روشنفکران دینی را الگوهای مناسبتری برای دینداری می‌دانند و تنها حدود ۱۸٪ با این گویه مخالف بوده‌اند. ۶۷ درصد پاسخگویان نیز پذیرفته‌اند که همه امور زندگی آدمیان در دین و دینداری خلاصه نمی‌شود. با این گویه که اساساً دین یک ایمان و باور فردی است و ربطی به زندگی سیاسی و اجتماعی ندارد حدود ۳۸ درصد موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند و در عوض حدود ۴۷ درصد هم با آن ابراز مخالفت کرده‌اند. نسبت به دیگر گویه‌های سنجش سکولاریسم که دین را امر مقدس دانسته و دخالت دین در سیاست را باعث از بین رفتن تقدس دین می‌داند حدود ۴۰ درصد موافق و ۴۰ درصد دیگر مخالف بوده‌اند. اکثریت قابل توجهی یعنی حدود ۶۳ درصد با این گزاره که دین نمی‌تواند برای اقتصاد و معیشت مردم دستورات روشن داشته باشد مخالفت کرده‌اند در عین حالی که حدود ۲۲ درصد هم با آن موافق بوده‌اند. بیشترین میزان مخالفت با این گزاره صورت گرفته که دین را مانع پیشرفت علم و بنابراین مانع پیشرفت جامعه می‌داند. حدود ۳۰ درصد پاسخگویان حجاب و پوشش را امری شخصی دانسته لکن حدود ۵۷ درصد با شخصی دانستن امر حجاب مخالفند. ۲۷ درصد پاسخگویان بر این باورند که روحانیت ایران موجب انحراف مردم از مسیر دین شده است و حدود ۳۹ درصد نیز باور دارند که دینداری در کشورهای مختلف مانند آمریکا، ایران یا عربستان تفاوتی ندارد.

تمایل کلی به خرده فرهنگ دینی سکولار

درجه ارزیابی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بسیار کم	۳	۰/۵	۰/۵	۰/۵
کم	۱۵۵	۲۵/۷	۲۵/۷	۲۶/۲
متوسط	۳۷۱	۶۱/۵	۶۱/۵	۸۷/۷
زیاد	۷۲	۱۱/۹	۱۱/۹	۹۹/۷
بسیار زیاد	۲	۰/۳	۰/۳	۱۰۰
کل	۶۰۳	۱۰۰	۱۰۰	

جدول فوق‌گویی آن است که حدود ۱۲ درصد پاسخگویان به میزان زیاد و بسیار زیادی به این خرده فرهنگ تعلق خاطر دارند. حدود ۲۶ درصد به میزان کم یا بسیار کم و بیش از ۶۰ درصد آنان در حد متوسط به خرده فرهنگ دینی سکولار گرایش دارند.

۲-۱-۱۰- خرده فرهنگ دینی ولایتی

گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق
عقیده به ولایت فقیه بر هر مسلمان شیعه واجب است	۱/۹	۷/۴	۸/۸	۵۶/۷	۲۵/۳
برای دفاع از ولایت می‌توان برخی از قوانین موجود را نادیده گرفت	۵/۲	۴۳/۲	۲۰/۷	۲۷/۲	۳/۸
شرکت در هر انتخابات برای اطاعت از دستورات رهبری واجب است و نتیجه آن مهم نیست	۷	۴۸/۲	۱۱/۴	۲۸	۵/۳
ترک نماز جمعه بدون داشتن عذر شرعی گناه است	۸/۳	۵۰	۱۳	۲۰/۴	۸/۳
ولی فقیه (رهبر) جانشین امام زمان (ع) است	۹/۵	۱۹/۶	۱۱/۷	۴۲/۶	۱۶/۷

جدول فوق بیانگر میزان موافقت یا مخالفت پاسخگویان به خرده فرهنگ دینی ولایتی می‌باشد بر این اساس می‌توان گفت بیشترین میزان موافقت پاسخگویان با گویه اول همراه است یعنی ۸۰ درصد پاسخگویان بر این باورند که اعتقاد به ولایت فقیه بر هر مسلمان شیعه واجب است. پس از این گویه، گویه پنجم واقع می‌شود که باور پاسخگویان به اینکه رهبر جانشین امام زمان (عج) است را نشان می‌دهد و حدود ۵۸ درصد پاسخگویان با آن اعلام موافقت کرده‌اند و در حالی که حدود ۲۰ درصد پاسخگویان هم با آن مخالف بوده‌اند. گویه‌های دیگری که برای سنجش افراد موافق با این خرده فرهنگ در نظر گرفته شده از موافقین کمتر و مخالفین بیشتری برخوردار است. با این گزاره که ترک نماز جمعه بدون داشتن عذر شرعی گناه است حدود ۲۸ درصد موافق و ۵۸ درصد دیگر با آن مخالف بوده‌اند. ۳۳ درصد پاسخگویان بر این باورند که شرکت در هر انتخاباتی صرف نظر از نتیجه آن و برای اجابت فرمان رهبری واجب است و نتیجه آن اهمیتی ندارد لکن حدود ۵۵ درصد جوانان با چنین نظری مخالفند. بالاخره حدود ۳۰ درصد جوانان چنین می‌اندیشیدند که می‌توان برای دفاع از ولایت فقیه پاره‌ای از قوانین و

مقررات را نادیده گرفته و برخلاف آنها عمل کرد، لکن ۴۸ درصد دیگر با چنین ایده ای مخالفند.

تمایل کلی به خرده فرهنگ دینی ولایتی

فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بسیار کم	۱۹	۳/۲	۳/۲
کم	۱۲۱	۲۰/۱	۲۳/۲
متوسط	۲۸۰	۴۶/۴	۶۹/۷
زیاد	۱۶۷	۲۷/۷	۹۷/۳
بسیار زیاد	۱۶	۲/۷	۱۰۰
کل	۶۰۳	۱۰۰	

ارقام جدول فوق بیانگر آن است که حدود ۳۰ درصد پاسخگویان به میزان زیاد یا بسیار زیاد، ۶۶ درصد در حد متوسط و ۲۳ درصد در حد کم یا بسیار کم نسبت به این خرده فرهنگ گرایش دارند.

۳-۱-۱- خرده فرهنگ دینی سنتی

گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق
یک فرد مسلمان باید ظاهرش هم دینی باشد	۳/۸	۱۵/۴	۷/۶	۵۰	۲۳/۱
اسلام واقعی همان است که در رساله های عملیه فقها وجود دارد	۳/۹	۲۴/۹	۱۸/۹	۴۴/۹	۷/۳
چادر بهترین نوع پوشش و حجاب برای بانوان است	۵/۸	۱۷/۴	۹/۱	۳۵/۷	۳۱/۹
نمی‌توان شیعه بود و در عین حال هرگز در مراسم عزاداری امام حسین (ع) شرکت نکرد	۵	۳۷	۶/۲	۲۶/۵	۲۵/۳
بهترین الگوی دینداری روحانیون هستند	۹/۲	۳۷/۷	۲۳/۸	۲۳/۸	۵/۵
بدون تقلید از مراجع دینی نمی‌توان دیندار بود	۴/۴	۲۶/۵	۱۰/۱	۴۵/۵	۱۳/۶
دینداری واقعی کار مشکلی است و محتاج توفیق الهی است	۰/۹	۶/۸	۴/۶	۵۵	۳۲/۷
اعمال و باورهای دینی باید کاملاً شکل سنتی خود را حفظ کنند	۲/۳	۲۴/۵	۱۷/۱	۴۶/۶	۹/۵

جدول فوق بیانگر میزان موافقت یا مخالفت جوانان جامعه آماری با گویه‌هایی است که میزان تعلق افراد به خرده فرهنگ دینی سنتی را نشان می‌دهد. این ارقام بیانگر آن است که تقریباً تمامی این گزاره‌ها به استثناء یک مورد آن مورد قبول جوانان است. حدود ۸۸ درصد جوانان دینداری واقعی را امری مشکل و محتاج توفیق الهی دانسته‌اند. ۷۳ درصد جوانان بر این باورند که یک فرد دیندار باید از حیث ظاهری هم با افراد غیردیندار متفاوت باشد. ۶۷ درصد

پاسخگویان چادر را بهترین نوع پوشش برای بانوان دانسته‌اند. ۵۹ درصد پاسخگویان بر این باورند که بدون تقلید از مراجع دینی نمی‌توان دیندار بود و ۵۲ درصد اسلام واقعی را همان اسلام موجود در رساله‌های عملیه فقهی می‌دانند. کمترین میزان موافقت با این گویه صورت گرفته است که روحانیون را به عنوان بهترین الگوهای دینی معرفی می‌کند. ۲۹ درصد با این گویه موافق و ۴۶ درصد دیگر با آن مخالف بوده‌اند. ۵۶ درصد جوانان نیز بر این باورند که اعمال و باورهای دینی باید کاملاً شکل سنتی خود را حفظ کنند

تمایل کلی به خرده فرهنگ دینی سنتی

درجه ارزیابی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بسیار کم	۳	۰/۵	۰/۵	۰/۵
کم	۶۱	۱۰/۱	۱۰/۱	۱۰/۶
متوسط	۲۲۳	۳۷	۳۷	۴۷/۶
زیاد	۲۴۳	۴۰/۳	۴۰/۳	۸۷/۹
بسیار زیاد	۷۳	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۰۰
کل	۶۰۳	۱۰۰	۱۰۰	

ارقام جدول فوق بیانگر آن است که حدود ۵۲ درصد پاسخگویان در حد زیاد یا خیلی زیاد، ۳۷ درصد در حد متوسط و ۱۰ درصد دیگر در حد کم یا خیلی کم با این خرده فرهنگ موافقتند.

۴-۱-۱- خرده فرهنگ دینی ایدئولوژیک

گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق
اگر در اداره جامعه به دستورات دینی عمل شود بسیاری از مشکلات حل خواهد شد	۰/۷	۴/۸	۷/۲	۵۳/۲	۳۴/۱
حکومت موفق و کارآمد حکومتی است که بر مبنای دین اداره شود	۰/۵	۷/۸	۴/۸	۶۲/۸	۲۴
دین راهنمای زندگی است و برای همه جنبه‌های زندگی انسان احکام دارد	۰	۲/۲	۴	۶۶/۶	۲۷/۳
دین می‌تواند همه نیازهای همه انسانها را در هر زمان و مکانی رفع کند	۱/۵	۲۲/۱	۱۸	۴۶/۶	۱۱/۷
حکومت اسلامی بهترین نوع حکومت است	۱/۸	۶	۸/۵	۵۶/۲	۲۷/۴
دین و سیاست قابل تفکیک از یکدیگر نیستند	۲/۷	۳۲/۳	۱۶/۷	۴۲/۹	۵/۴

ارقام جدول فوق میزان موافقت یا مخالفت پاسخگویان به خرده فرهنگ دینی ایدئولوژیک را نشان می‌دهد. این ارقام گویای آن است که میزان موافقت پاسخگویان به گویه‌های این خرده فرهنگ بسیار بالاست و مخالفت با آنها بسیار پایین است. به استثناء گویه آخر که دین و سیاست را قابل تفکیک از هم ندانسته که ۴۸ درصد پاسخگویان با آن موافق و ۳۴ درصد دیگر مخالفند. دیگر گویه‌ها از مخالفین بسیار پایینی برخوردارند.

تمایل کلی به خرده فرهنگ دینی ایدئولوژیک

درجه ارزیابی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بسیار کم	1	0/2	0/2	0/2
کم	17	2/8	2/8	3
متوسط	95	15/8	15/8	18/7
زیاد	374	62	62	80/8
بسیار زیاد	116	19/2	19/2	100
کل	603	100	100	---

ارقام جدول فوق گویای آن است که ۸۱ درصد پاسخگویان با خرده فرهنگ دینی ایدئولوژیک در حد زیاد یا بسیار زیاد، حدود ۱۶ درصد در حد متوسط و تنها ۳ درصد دیگر با آن به میزان کم یا بسیار کم موافقتند.

۱-۱-۱۰- خرده فرهنگ دینی شخصی یا خانوادگی

گویه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق
هر کس در امور دینی می‌تواند به تشخیص خودش عمل کند	7/8	29/5	11	41/9	9/8
هر کس خودش می‌تواند روحانی خودش باشد و نیازی به روحانیون نیست	7/7	57/4	12/7	15/7	6/5
تنها آنچه والدین در امور دینی به ما یاد می‌دهند برای ما کفایت می‌کند	10/5	66/6	7/5	12/5	2/8
برای بانوان مهم رعایت حجاب است نوع آن فرقی نمی‌کند	3/2	19/3	5/5	54/5	17/6
داشتن آنتن ماهواره در منزل اشکالی ندارد	15/2	33/4	18/5	25	7/8
داشتن دوستی از جنس مخالف اشکالی ندارد	21/3	40	13/1	20/3	5/3

جدول فوق نظر پاسخگویان نسبت به گویه‌های مربوط به خرده فرهنگ دینی شخصی یا خانوادگی را نشان می‌دهد. در میان گویه‌هایی که میزان توافق افراد با بعد اعتقادی این خرده فرهنگ را نشان می‌دهد تنها گویه اول که بیان می‌دارد هر کس در امور دینی می‌تواند به

تشخیص خودش عمل کند از میزان پذیرش بالایی برخوردار است و ۵۲ درصد با آن موافقت در مقابل ۳۸ درصد دیگر با آن مخالفت کرده‌اند. در بعد رفتارها سبک پوشش که با حفظ حجاب انتخاب نوع آن را بر عهده خود فرد می‌گذارد ۷۲ درصد با آن توافق دارند. با داشتن آنتن ماهواره در منزل ۳۲ درصد موافق و ۴۸ درصد دیگر ابراز مخالفت کرده‌اند. با داشتن دوست پسر یا دختر ۶۱ درصد مخالف و ۲۵ درصد دیگر موافقت کردند. کمترین میزان موافقت یعنی ۱۵ درصد نیز با این گزینه صورت گرفته است که بیان می‌دارد تنها آنچه والدین در امور دینی به ما یاد می‌دهند برای ما کفایت می‌کند.

تمایل کلی به خرده فرهنگ دینی شخصی یا خانوادگی

درجه ارزیابی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بسیار کم	17	2/8	2/8	2/8
کم	198	32/8	32/8	35/7
متوسط	296	49/1	49/1	84/7
زیاد	88	14/6	14/6	99/3
بسیار زیاد	4	0/7	0/7	100
کل	603	100	100	

ارقام جدول فوق بیانگر میزان توافق پاسخگویان با کلیت خرده فرهنگ دینی شخصی و خانوادگی است. ۳۵ درصد جوانان به میزان بسیار کم یا کم، ۴۹ درصد در حد متوسط و حدود ۱۵ درصد نیز در حد زیاد یا بسیار زیاد به این خرده فرهنگ تمایل دارند.

۲-۱۰- مقایسه خرده فرهنگ‌ها با هم

نوع خرده فرهنگ	بسیار کم	کم	متوسط X	زیاد	بسیار زیاد
خرده فرهنگ دینی سکولار	.5	25.7	61.5	11.9	.3
خرده فرهنگ دینی ولایتی	3.2	20.1	46.4	27.7	2.7
خرده فرهنگ دینی سنتی	.5	10.1	37.0	40.3	12.1
خرده فرهنگ دینی ایدئولوژیک	.2	2.8	15.8	62.0	19.2
خرده فرهنگ دینی شخصی یا خانوادگی	2.8	32.8	49.1	14.6	.7

۳-۱۰- : مقایسه خرده فرهنگ ایدئولوژیک با طرح پژوهشی "نگرش جوانان به دین"

ردیف	متن گوینده	درصد موافق		درصد مخالف	
		طرح نگرش به دین حاضر	طرح حاضر	طرح نگرش به دین حاضر	طرح حاضر
۱	اگر در اداره جامعه به دستورات دین عمل شود بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.	۸۹	۸۷	۱۰	۵
۲	حکومت موفق و کارآمد حکومتی است که بر مبنای دین اداره شود	۸۶	۸۵	۱۴	۸
۳	دین راهنمای زندگی است و برای همه جنبه‌های زندگی انسان احکام داد	۹۳	۹۲	۵	۲/۲

همانگونه که ملاحظه می‌شود نتایج دو پژوهش در سنجش دینداری این سنخ از افراد جامعه کاملاً با یکدیگر نزدیک و مؤید یکدیگر است. در سنخ ایدئولوژیک علاوه بر گویه‌های شش گانه فوق که بیانگر بعد باور و ارزش این سنخ بوده‌اند نکات دیگری که مبین هنجارها و نمادهای آنهاست نیز قابل مشاهده است، افراد وابسته به این خرده فرهنگ به اقامه نماز اول وقت به جماعت، حضور در نماز جمعه آن هم به صورت دسته جمعی با دوستان، حضور در مساجد و حسینیه‌ها، اقدام به برگزاری مراسم دعا در منزل دوستان یا اقوام، رفتن به زیارت حرم امام رضا(ع) به صورت جمعی پای‌بند هستند. این افراد عموماً مقید به داشتن محاسن (مردان) بوده و نیز بهترین روش حفظ حجاب را استفاده از چادر توسط بانوان می‌دانند. افراد عضو این خرده فرهنگ به میزان بیشتری نسبت به دیگران از چفیه استفاده کرده. دوستانشان را با القابی همچون برادر و خواهر مورد خطاب قرار می‌دهند و هنگامی که از مقام رهبری سخن می‌گویند از ایشان با القابی همچون آقا یا مقام رهبری یاد می‌کنند و در سالگرد شهادت تمامی ائمه(ع) عزادار و سیاهپوش می‌شوند.

جدول زیر به بررسی روایی سازه‌ای (روایی عاملی) گویه‌های خرده فرهنگ‌های دینی پس از اجرای نهایی پرسشنامه می‌پردازد. در حالت ایده آل می‌باید تعداد عامل‌ها به تعداد خرده فرهنگ‌های دینی (پنج مورد) باشد و گویه‌های مربوط به هر خرده فرهنگ در ذیل عامل مربوطه جمع گردد.

پایین بودن روایی سازه‌ای در مرحله پیش‌آزمون و سپس آزمون نهایی (۹ عامل، $Cumulative=0/53$))، اگرچه در ابتدا چندان متناسب با مبانی نظری محقق نبود. مع‌الوصف این نکته را در ذهن محقق تقویت می‌کند که دینداری جوانان بیشتر امری ترکیبی بوده و تمایز خرده فرهنگ‌ها در عالم واقع شفاف و روشن نیست. در واقع تکنیک تحلیل عاملی آنگاه باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد که ابعاد مختلف یک متغیر دارای همبستگی پایینی با هم باشند (تا از این طریق عامل‌ها از یکدیگر متمایز گردند) ولی در عرصه دینداری الزاماً به این ترتیب نیست: مثلاً یک فرد در عین حال که دارای رابطه عاطفی بالایی با خدای خود است، این روابط عاطفی را از مجرای مناسک دینی جستجو نماید.

۱۱- بررسی روایی سازه ای گویه های خرده فرهنگ‌های دینی براساس تحلیل عاملی

گویه ها	عاملها
	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹
داشتن دوستی از جنس مخالف اشکالی ندارد	-۰.۶۶۹
انحراف مردم از مسیر دین توسط روحانیت	-۰.۶۶۸
داشتن آتن ماهواره در منزل اشکالی ندارد	-۰.۶۵۴
عقیده به ولایت فقیه بر هر مسلمان شیعه واجب است	.۶۲۸
یک فرد مسلمان باید ظاهرش هم دینی باشد	.۵۶۷
بهترین الگوی دینداری روحانیون هستند	.۵۵۸
اسلام واقعی همان است که در رساله های عملیه فقها وجود دارد	.۵۵۳
ولی فقیه (رهبر) جانشین امام زمان (ع) است	.۵۲۷
هر کس خودش می تواند روحانی خودش باشد و نیازی به روحانیون نیست	-۰.۵۰۵
چادر بهترین نوع پوشش و حجاب برای بانوان است	.۴۸۹
دین راهنمای زندگی است و برای همه جنبه های زندگی انسان احکام دارد	.۷۲۳
حکومت اسلامی بهترین نوع حکومت است	.۵۸۵
دین می تواند همه نیازهای همه انسانها را در هر زمان و مکانی رفع کند	.۵۶۶
برای بانوان مهم رعایت حجاب است نوع آن فرقی نمی کند	.۵۵۱
حکومت موفق و کارآمد حکومتی است که بر مبنای دین اداره شود	.۴۵۱

عواملها										گویه ها
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
									۰.۷۴۷	دینداری واقعی کار مشکلی است و محتاج توفیق الهی است
									۰.۶۹۹	نمی توان شیعه بود و در عین حال هرگز در مراسم عزاداری امام حسین (ع) شرکت نکرد
									۰.۶۸۹	حجاب و پوشش یک امر شخصی است و ربطی به دین ندارد
									۰.۶۴۵	هر کس در امور دینی می تواند به تشخیص خودش عمل کند
									۰.۵۶۳	اساسا دین یک باور و ایمان فردی است و ربطی به زندگی اجتماعی و سیاسی ندارد
									۰.۴۴۷	دین نمی تواند برای اقتصاد و معیشت مردم دستورات روشن داشته باشد
									۰.۶۳۷	دین مانع پیشرفت علم و بنابراین مانع پیشرفت جامعه می شود
									۰.۵۵۵	اعمال و باورهای دینی باید کاملاً شکل سنتی خود را حفظ کنند
									۰.۴۶۲	تنها آنچه والدین در امور دینی به ما یاد می دهند برای ما کفایت می کند
									۰.۴۳۶	روشنفکران دینی الگوهای مناسب تری برای دینداری هستند
									۰.۶۷۵	شرکت در هر انتخابات برای اطاعت از دستورات رهبری واجب است و نتیجه آن مهم نیست
									۰.۶۴۶	دین و سیاست قابل تفکیک از یکدیگر نیستند
									۰.۴۲۰	دین امر مقدس است و دخالت دین در سیاست باعث از بین رفتن تقدس دین می شود
									۰.۷۱۲	برای دفاع از ولایت می توان برخی از قوانین موجود را نادیده گرفت
									۰.۷۴۱	خلاصه نشدن همه امور زندگی در دین و دینداری
									۰.۸۰۴	دینداری در ایران ، عربستان و آمریکا فرق ندارد
									۰.۴۴۲	ترک نماز جمعه بدون داشتن عذر شرعی گناه است

۱۲- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱۲-۱- از نظریه‌پردازی تا مشاهده واقعیت:

در مقام نظریه‌پردازی و بحث مفهومی به سادگی می‌توان امور را دسته‌بندی، تیپولوژی و تفکیک کرد و آنچه را که ما از مباحث تئوریک بهره گرفته بودیم و بر آن اساس خرده فرهنگ‌ها را تفکیک کرده بودیم از همین نوع بودند و البته راه دیگری نیز به نظر نمی‌رسد و برای آغاز کار چاره‌ای جز توسل جستن به نظریه و بحث تئوریک نیست چراکه هیچ کس نمی‌تواند بدون در اختیار داشتن چارچوب تئوریک به سراغ واقعیت رفته و از آن سراغ بگیرد که در این صورت چیزی اساساً عاید او نخواهد شد. اما ابزار تئوریک که بنا هست همچون جامه‌ای بر تن واقعیت دوخته شوند در بسیاری از مواقع برتن واقعیت راست نمی‌آیند و لذا کاربررسی واقعیت با دشواری مواجه می‌شود امری که به تمامی در این پژوهش رخ نمود. پس از ساختن گونه‌های نظری و آغاز به مصاحبه‌های اکتشافی به تدریج این واقعیت بیشتر و بیشتر نمایان شد که دینداری جوانان در عالم واقع کمتر تن به تفکیک و گونه‌شناسی می‌دهد و اگر منظور از گونه‌شناسی چنان تفکیکی جامع و مانع باشد که هیچگونه همپوشی نداشته باشد چنین کاری نشد نیست چرا که چنین چیزی اساساً وجود ندارد این امر در مصاحبه‌های اکتشافی کاملاً مشهود بود و بعداً در تست تجربی نهایی کاملاً آشکار شد. وقتی با جوانی که همه ویژگی‌های ظاهری و شناخت دوستان او حکایت از سکولار بودن او می‌کرد و خودش نیز خود را فردی لائیک یا سکولار معرفی می‌کرد مصاحبه می‌کردیم ناگهان اظهار عقیده‌ای که متعلق به خرده فرهنگ سنتی یا ولایتی است همه چیز را به هم می‌ریخت و مصاحبه‌کننده را ناامید می‌کرد و بالعکس هنگامی که با جوانی بسیجی، حزب الهی که چفیه به گردن آویخته و خود را سرباز "آقا" معرفی می‌کرد مصاحبه می‌کردیم ناگهان متوجه برخی باورها یا هنجارهای او که او را به خرده فرهنگ سکولار نزدیک کرد، می‌شدیم. این نتایج ما را به این نکته متفطن کرد که دینداری جوانان امری "ترکیبی" است که آن هم ریشه در "وضعیت در حال گذار" جامعه ما دارد، جامعه‌ای که در حال مدرن شدن است و حاوی نزاع تاریخی سنت و مدرنیسم است. عناصری از مدرنیته را اخذ نموده لکن سنت را نیز رها نکرده است و لذا نه سنتی است نه مدرن و این ویژگی در همه ابعاد جامعه و شخصیت افراد از جمله دینداری آنان خود را نمایان می‌سازد.

۱۲-۲- سنخ‌ها همچون نمونه‌های آرمانی (Ideal Type) :

برای آن‌که بتوانیم از ابزار تئوریک خودمان یعنی سنخ‌های پنجگانه برای شناسایی و توصیف دینداری جوانان استفاده کنیم می‌توان برسیاق جامعه‌شناسی ماکس وبر این سنخ‌ها را نوعی تیپ ایده‌آل دانست که اگرچه در عالم واقع به‌طور کامل و دقیق یافت نمی‌شود لکن به کار شناخت عالم واقع می‌آیند و ما می‌توانیم واقعیت را با توجه به‌نسبتی که با این سنخ‌ها دارد شناسایی کنیم. براین اساس می‌توان گفت اگرچه ما در جامعه مورد مطالعه یعنی مشهد سنخ خالص ولایتی یا سکولار یا سنتی نداریم اما ویژگی‌های دینی جوانان آنان را به برخی از این سنخ‌ها نزدیکتر و یا دورتر می‌کند. در همین جا این نکته را هم یادآور شویم که در میان سنخ‌های پنجگانه دو سنخ سکولار و شخص و خانوادگی با همدیگر قرابت بیشتری دارند همچنان‌که سه سنخ ایدئولوژیک، سنتی و ولایتی هم به یکدیگر نزدیکند.

۱۲-۳- نگاهی اجمالی به وضعیت خرده فرهنگ‌ها

خرده فرهنگ‌ها	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
خرده فرهنگ دینی سکولار	.5	25.7	61.5	11.9	.3
خرده فرهنگ دینی ولایتی	3.2	20.1	46.4	27.7	2.7
خرده فرهنگ دینی سنتی	.5	10.1	37.0	40.3	12.1
خرده فرهنگ دینی ایدئولوژیک	.2	2.8	15.8	62.0	19.2
خرده فرهنگ دینی شخصی یا خانوادگی	2.8	32.8	49.1	14.6	.7

خرده فرهنگ‌ها	میان	واریانس	تعداد
خرده فرهنگ دینی سکولار	2.89	.20	603
خرده فرهنگ دینی ولایتی	3.20	.43	603
خرده فرهنگ دینی سنتی	3.50	.41	603
خرده فرهنگ دینی ایدئولوژیک	3.83	.28	603
خرده فرهنگ دینی شخصی یا خانوادگی	2.83	.35	603

در جداول فوق که میزان تعلق خاطر جوانان به انواع خرده فرهنگ‌های دینی نشان داده شده است حاکی از آن است که اگر بخواهیم به ترتیب اهمیت و جایگاه این خرده فرهنگ‌ها نزد جوانان آنان را طبقه‌بندی کنیم در صدر همه خرده فرهنگ دینی ایدئولوژیک و پس از آن سنتی، ولایتی و در انتها خرده فرهنگ سکولار و شخص و خانوادگی قرار می‌گیرند. موافقت زیاد و بسیار زیاد با خرده فرهنگ ایدئولوژیک حدود ۸۲ درصد، سنتی ۵۲ درصد، ولایتی ۳۰ درصد، سکولار و شخصی خانوادگی هر کدام حدود ۱۵ درصد است و بر عکس موافقت کم یا بسیار کم در خرده فرهنگ سکولار حدود ۳۰ درصد، شخص خانوادگی حدود ۳۵ درصد، ایدئولوژیک ۴ درصد، سنتی ۱۵ درصد و ولایتی ۲۳ درصد است و نشان دهنده آن است که حضور عناصر سنتی در دینداری جوانان هنوز نسبت به عناصر مدرن بسیار برجسته‌تر است.

۴-۱۲- جمع‌بندی توصیف خرده فرهنگ‌ها

با توجه به آنچه در مباحث گذشته گفته شد در نهایت امر برای سنجش خرده فرهنگ‌های دینی جوانان مشهد پنج سنخ برگرفته شد و براین اساس آزمون نهایی به عمل آمد. برای هر سنخ چند گویه با توجه به مباحث تئوریک و مصاحبه‌های اکتشافی برگزیده شدند. این گویه‌ها عمدتاً حاوی باورها و ارزش‌ها به‌عنوان اساسی‌ترین عناصر فرهنگ بودند. علاوه براین سؤالاتی که می‌توانست عناصر هنجار و نماد را هم مورد سنجش قرار دهد طراحی شد و پس از پرسشگری و استخراج یافته‌ها از کامپیوتر میان سنخ‌ها که براساس گویه‌های ساخته شده مشخص شده بودند و هنجارها و نمادها همبستگی برقرار شد تا نسبت خرده فرهنگ‌ها با آنها مشخص شود. در این جمع‌بندی به اختصار به بیان اوصاف خرده فرهنگ‌ها یعنی عناصری از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها که در هر سنخ اهمیت بیشتری دارند، می‌پردازیم. پیداست که برخی عناصر به‌ویژه هنجارها و نمادها در چند خرده فرهنگ مشترک هستند.

۱-۴-۱۲- خرده فرهنگ ایدئولوژیک :

این خرده فرهنگ با ۶ گویه مورد آزمون واقع شد. مشخصه مهم نگاه ایدئولوژیک به دین آن است که دین را حاوی برنامه‌ها و احکام مشخصی برای اداره دنیا اعم از سیاست، اقتصاد و

اجتماع و فرهنگ می‌داند و لذا گویه‌های طراحی شده هم ناظر به همین معناست. دین راهنمای زندگی، رافع همه نیازها و انسان‌ها در هر زمان و مکانی و تأکید بر حکومت دینی و عدم تفکیک دین از سیاست از مشخصه‌های این خرده فرهنگ است. میزان موافقت پاسخگویان با این خرده فرهنگ و اغلب گویه‌های آن بسیار بالاست و تنها در گویه عدم تفکیک دین و سیاست میزان توافق پایین‌تر است لکن در سایر گویه‌ها که نشانه نگرش جوانان به دین و انتظار آنان از دین است اکثر جوانان با آن موافقتند. چندگویی از گویه‌های این سنخ که به نظر ما مبین تعلق خاطر به سنخ ایدئولوژیک دین است.

۲-۴-۱۲- خرده فرهنگ سنتی

مهمترین ویژگی خرده فرهنگ سنتی را می‌توان در تأکید بر تقلید از مراجع تقلید در احکام دینی و عمل به رساله فقها و توجه به ظاهر فرد دیندار دانست. برای بررسی این خرده فرهنگ ۸ گویه انتخاب شده است. سه گویه به امر تقلید از فقها، تأکید بر این که اسلام واقعی همان اسلام رساله‌های عملیه است و الگو بودن روحانیون اختصاص یافته است. شرکت در مراسم عزاداری ائمه بویژه عزاداری امام حسین (ع) یکی دیگر از ابعاد این خرده فرهنگ و تأکید بر ظاهر دینی و از جمله چادر به عنوان بهترین نوع پوشش بانوان از خصایص این خرده فرهنگ است. تمامی این گویه‌ها با میزان بالایی مورد قبول جوانان سنتی است لکن این نکته که روحانیون بهترین الگوی دینداران هستند مورد تردید واقع شده و لذا تنها ۲۹ درصد با آن موافق بوده‌اند. هنجارها و نمادهای خرده فرهنگ سنتی و ایدئولوژیک تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهند.

۳-۴-۱۲- خرده فرهنگ ولایتی:

اگرچه خرده فرهنگ ولایتی با دو خرده فرهنگ سابق قرابت زیادی دارد لکن مهم‌ترین وجه تمایز آن تأکید بر نقش و جایگاه رهبری دین و اداره جامعه است. گویه‌های مشخص شده برای سنجش این خرده فرهنگ هم حول محور همین معنا گرد آمده‌اند. پنج گویه معین شده‌اند. عقیده به ولایت فقیه به عنوان لازمه شیعه بودن، اعتقاد به این که رهبر جانشین امام زمان (ع) است، تأکید بر حضور در نماز جمعه به عنوان یکی از مظاهر مهم حکومت دینی، شرکت

در انتخابات صرفاً با انگیزه اطاعت از رهبر بدون توجه به نتیجه آن و بالاخره این‌که اگر لازمه دفاع از رهبری نادیده گرفتن قوانین موجود باشد، می‌توان به آن مبادرت کرد به عنوان شاخصه‌های این خرده فرهنگ در نظر گرفته شده‌اند. اگرچه اکثریت پاسخگویان یعنی حدود ۸۰ درصد آنان عقیده به ولایت فقیه را از بایسته‌های یک فرد شیعه می‌دانند لکن دیگر گویه‌های این خرده فرهنگ با شدت کمتری مورد توافقند و یا مورد توافق نیستند. تنها ۲۸ درصد شرکت در نماز جمعه را لازم می‌دانند و ۳۳ درصد انگیزه شرکت در انتخابات را اطاعت از رهبری می‌دانند و ۳۰ درصد بر این باورند که می‌توان برای دفاع از رهبر به قوانین موجود پشت کرد. در حوزه هنجارها و نمادها تفاوت محسوسی میان این خرده فرهنگ با دو خرده فرهنگ قبلی نیست.

۴-۴-۱۲- خرده فرهنگ سکولار :

سکولاریسم یا عرفی شدن را با تفکیک میان دین و دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی می‌توان شناخت و یا لاقلاً یکی از معانی رایج سکولاریسم همین معناست که دین را متعلق به حوزه کاملاً فردی و خصوصی آدمی دانسته و آن را رابطه‌ای پنهانی میان بنده و خداوند معرفی کرده و کمتر برای دین شأن دخالت در سیاست و اجتماع را قایل است. در این پژوهش نیز برای شناخت خرده فرهنگ سکولار همین معنا مورد توجه واقع شده است و بر این اساس ۹ گویه انتخاب شده‌اند. اکثر افراد این خرده فرهنگ به روشنفکران به عنوان الگوهای دینداری نظر دارند و نیز بر این باورند که همه امور زندگی انسان در دین خلاصه نمی‌شود. دیگر گویه‌های مورد سنجش این خرده فرهنگ با میزان پایینی مورد توافقند.

۴-۴-۱۲-۵- خرده فرهنگ شخصی و خانوادگی

آخرین خرده فرهنگ مورد بررسی ما خرده فرهنگی است که می‌توان با عنوان شخصی یا خانوادگی از آن یاد کرد. ویژگی مهم و بارز این خرده فرهنگ آن است که آموزش‌های دینی خانوادگی را برای دینداری کافی دانسته و نیاز چندانی برای تقلید از مراجع تقلید یا الگو قرار دادن روحانیون و امثال آنها قایل نیستند. برای بررسی این خرده فرهنگ ۶ گویه در نظر گرفته شده است. در دو گویه این‌که هر کسی در امر دین می‌تواند به تشخیص خودش عمل کرده و

روحانی خودش باشد بیان شده و در گویه دیگر کفایت آموخته‌های والدین برای دینداری بررسی شده است. داشتن آنتن ماهواره، دوست از جنس مخالف از دیگر نکات مورد توجه در این خرده فرهنگ به شمار می‌روند. در بعد هنجارها و نمادها تفاوت عمومی میان این خرده فرهنگ و خرده فرهنگ سکولار نیست.

۱۳- فهرست منابع

- ۱- آبرکرامی، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، (۱۳۷۶)، چاپخس.
- ۲- جوئل شارون، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، (۱۳۷۹).
- ۳- جلیبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، تهران، (۱۳۷۵).
- ۴- حمید حمید، علم تحولات جامعه، انتشارات امیر کبیر، تهران، (بی تا)
- ۵- دانیل بتیس، انسانشناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات، تهران، (۱۳۷۵).
- ۶- رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران، (۱۳۷۸).
- ۷- گی روشه، کنش اجتماع، ترجمه همزنجان زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، (۱۳۷۰).
- ۸- روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، تهران، (۱۳۷۲).
- ۹- ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، (۱۳۷۰).
- ۱۰- سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران، (۱۳۷۸).
- ۱۱- عظیمی هاشمی، مژگان، طرح نگرش جوانان به دین، جهاد دانشگاهی، (۱۳۸۱).
- ۱۲- میرچا الیاده، فرهنگ و دین، ترجمه هیأت مترجمان زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات طرح نو، تهران، (۱۳۷۴).
- ۱۳- نراقی، احمد، رساله دین شناخت، طرح نو، تهران، (۱۳۷۸).